

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۶ نومبر ۲۰۱۸



بهترین منبع برای الهام گرفتن، کودکان هستند!

دو روز قبل یعنی به تاریخ چهاردهم نومبر دو مضمونی که یکی آن به زبان پشتو توسط آقای "نگاه" معنون به "جاوید باد پیوند خون خلقها" و دیگری به زبان فارسی توسط جناب "حضور" معنون به "درد همه ما یکپست، پشتون و هزاره ندارد" در پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان منتشر شده بود، از نظرم گذشت. هر دو عنوان به خصوص در شرایط ناهنجار حدود چهاردهه که درد ما یکپست پشتون و هزاره ندارد و جاوید باد پیوند خون خلقها، کفایت تا ما هم بالاخره درک کنیم و بیاموزیم تا از نوشتن مضامین و تبلیغات نفاق افغانانه مسایل زبانی و قومی و نژادی خود داری کنیم و نباید در صدد باشیم تا به شکلی از اشکال چه در لفافه و چه هم به طور آشکار پشتون را علیه هزاره و تاجیک و یا به عکس آن و یا زبان فارسی را علیه زبان پشتو و مکالمه کنندگان آن را علیه یک دیگر تحریک نماییم. هستند کسانی که نه کور هستند و نه هم ناشنوا، باز هم دامن نفاق افگنی را گسترش می دهند. پس بهتر است تا دنیای کودکان را درک کنیم و بسیار مسایل زندگانی را از آنها بیاموزیم.

استعمار گران وقتی به کشوری تجاوز می کنند، جهت دوام حاکمیت شان به تفرقه افگنی می پردازند به خصوص در کشور هائی مانند افغانستان که مردمانی از اقوام و زبانها و مذاهب مختلف در آن زندگانی می کنند. طوری که تاریخ گواه است تا زمانی که کشور ما مورد تجاوز قرار نگرفته است، مردم در کنار هم با صلح و صفا کار کردند و در غم و شادی همدیگر سهیم بوده اند. مگر همین که متجاوزان چه انگلیس و شوروی متوفا بوده و چه هم امروز امریکا و ناتو است، توسط حامیان، جاسوسان و وطنفروشان افغان و هم توسط نویسندگان بومی شان تا می توانند مسایل قومی و زبانی و منطقه ئی و نفاق افگنی و برادر کشی را در میان مردم دامن می زنند. استعمارگران که دشمنان خلق ها هستند،

می خواهند تا اقوام به جان برابر افغانستان را تکه و پارچه نموده و از همدیگر دور نگهدارند و از این طریق به اهداف شوم خود برسند. مگر ما باید لاف از کودکان که در بعضی موارد از برخی از ما بزرگتر اند، مهربانند و کینه جو نیستند، صادق و راست و راستگو و بسیار ساده و صمیمی هستند، بیاموزیم. اگر شما خوانندگان عزیز در عکسها نگاه کنید متوجه خواهید شد که احسان الله کودک پشتون هم مانند اکثر کودکان با آرزو و رؤیا هائی بزرگ و سرشار از امید بدون بغض و کینه در کنار اطفال هزاره در یک صنف نشسته و پیوند برادری را قوام می بخشد. چنانچه از کودک پشتون سؤال می شود که چه شغلی را می خواهی تا در آینده داشته باشی، باوجودی که وی هنوز رؤیاهای خود را امتحان نکرده که آیا امکان پذیر است و یا نه، اصلاً به آن فکر نمی کند مانند اکثر کودکان جواب می دهد که داکتر، انجنیر، فضانورد و یا فوتبالیست. این آینده پر از رؤیا برای کودکان واقعی به نظر می رسد و آنها هیچ گاه از شکست مأیوس نمی شوند، بلکه دوباره امتحان می کنند و بالاخره تجربه کسب می نمایند. در حالی که ما بزرگسالان از رؤیا های بزرگ می ترسیم. اگر ما دقیق فکر کنیم داشتن رؤیای بزرگ اولین قدم برای انجام کارهای بزرگ است و ما در انجام آن ترس داریم و از شکست خوردن می ترسیم، ولی کودکان رؤیا های بزرگ را در سر می پروراندند و هیچ ترسی هم ندارند.

با وجودی که برای کودکان پذیرفتن واقعیت های زندگانی کار ساده و راحتی نیست ولی آنها خود را با واقعیت ها زودتر سازگار می سازند و ارزشهای واقعی زندگانی را که یکی از آنها نداشتن کینه و عداوت، افکار پوچ و بی مفهوم که تو هزاره و یا پشتون و تاجیک هستی و یا تو شیعه و سنی هستی، با هم بازی و در کنار همدیگر زندگانی می کنند. پس دیده می شود که کودکان دنیای خود را دارند، لذا هستند پدر و مادر ها و فامیل هائی که با تبلیغات ضد انسانی خود می خواهند تا کودکان شان را هم تحت تأثیر افکار نفاق افگانه خود قرار بدهند، مگر کودکان تا زمانی که کودک هستند، دوستان و رفقای خود را بدون در نظر گرفتن نکاتی که قبلاً تذکر داده شد، خود تعیین می کنند.

کودکان هیچ گاه از موقعیت های خطرناک هراس ندارند. آنها ولو که آبیازی بلد نیستند ولی می خواهند حتماً خود را به آب بیندازند و تجربه کنند و یا این که می خواهند خود را از بالا به پایین پرتاب کنند و ما باید از شجاعت آنها بیاموزیم نه این که خود را از بالا به پایین بیندازیم بلکه نباید از آنچه را که به آن آشنائی نداریم بترسیم یعنی زمانی که می خواهیم تا اهداف خود را برآورده بسازیم نباید بترسیم باید شجاعانه به سمت اهداف خود حرکت کنیم. شکست کودکان را نا امید و دلسرد نمی کند بلکه آنها به کار خود ادامه می دهند و بالاخره موفق هم می شوند. ما این را هم باید از کودکان بیاموزیم که اگر در زندگانی سیاسی و اجتماعی خود شکست می خوریم باید بدانیم که شکست می باید انگیزه آموختن گردد و کوشش کنیم تا عوامل شکست خوردن خود را بررسی کنیم و دریابیم تا دوباره تکرار نشود.

کودکان اکثراً صد ها سؤال را مطرح می کنند و احساس کنجکاوی آنها خیلی زیاد است. آنها توانائی خارق العاده دارند که سؤال کنند تا مسایلی را که به خاطر شان خطور می کنند، جواب آن را به دست بیاورند ولی ما بزرگسالان با غرور و خود خواهی کاذبی که داریم کثر شأن خود می دانیم تا آنچه را که نمی دانیم سؤال کنیم و به فهم خود بیفزائیم. متأسفانه هستند نویسندگانی که خود را قاموس جهانی تصور می کنند و اگر آنها را متوجه افکار نادرست و یا اغلاط املائی و انشائی شان بسازی، به غرور کاذب آنها برمی خورد و فوراً شروع به توهین و اهانت کردن، می کنند. کودکان با هم رقابت می کنند ولی رقابت آنها مثبت است مگر بزرگسالان چه؟

پس گفته می توانیم که بهترین منبع برای الهام گرفتن، کودکان هستند فقط کافیست زمان صرف کنیم تا بفهمیم آنها چگونه به واقعیت های زندگانی نگاه می کنند. عمر ما سرمایه ماست و نحوه استفاده سالم از آن پرداختن به کار های با ارزش است. اگر بتوانیم ریشه تمام بدبختی ها و کشت و کشتار خلقها را در جهان دریابیم و بشناسیم آموختن است که می توانیم

راه حل و رفع آن را با سهولت برای خود میسر بسازیم و علیه آن دست به مبارزه بزنیم در غیر آن مانند اسپ گادی بدون این که به اطراف خود نگاه کنیم تا بدانیم و درک کنیم که در جهان چه می گذرد، کمافی السابق در راه خود روان خواهیم بود.